

تدوین مدل عوامل پیشایند بی‌صداقتی تحصیلی در آموزش مجازی در دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان مقطع متوسطه دوم در دوران گسترش پاندمی کروناویروس

مریم عبدالهی^۱مقدم

*فضل‌الله حسنونند^۲

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، تدوین مدل پیشایندهای بی‌صداقتی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مدارس تیزهوشان در مقطع متوسطه دوم بود. **روش:** روش پژوهش، بر اساس ماهیت، توصیفی - همبستگی و بر اساس هدف، بنیادی بود. جامعه آماری مشتمل بر دانش‌آموزان دختر مدارس تیزهوشان مقطع متوسطه دوم استان لرستان بود. نمونه آماری به منظور پوشش دادن داده‌های لازم جهت تحلیل معادلات ساختاری برابر با ۴۸۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری به صورت دردسترس و پرسشنامه‌ها به صورت داوطلبانه و به شیوه نظرسنجی اینترنتی تکمیل و در نرم‌افزار آموس تحلیل شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه بی‌صداقتی تحصیلی ویترسپون و همکاران، ارزش مدرسه تومینن، سوینی و همکاران، اخلاق تحصیلی گل‌پرور، هویت علمی وینسنترز و شانن و نظارت والدین سیه، ین و چو بود. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که اخلاق تحصیلی، هویت علمی و ارزش مدرسه دارای رابطه علی معنادار با بی‌صداقتی تحصیلی هستند، ولی نظارت والدین فاقد رابطه علی معنادار با بی‌صداقتی تحصیلی دانش‌آموزان بود. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به منظور کاهش بی‌صداقتی تحصیلی در دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان در آموزش مجازی باید بر مؤلفه‌های فردی و شخصیتی همچون اخلاق تحصیلی، هویت علمی و درک ارزش مدرسه تمرکز کرد و تمرکز بر نیروهای بیرونی مانند نظارت والدین نمی‌تواند زمینه‌ساز کاهش این رفتار مخرب در فضای آموزشی مجازی باشد.

واژه‌های کلیدی: ارزش مدرسه، اخلاق تحصیلی، بی‌صداقتی تحصیلی، نظارت والدین، هویت علمی

^۱ . دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، مشاور دبیرستان تیزهوشان شهرستان خرم‌آباد و مدرس دانشگاه فرهنگیان. ۰۹۱۸۳۵۱۹۱۰۶

m.abdolahi65@yahoo.com

^۲ . نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران، تهران ۰۹۱۶۹۵۵۰۹۰۴ fazl.hasanvand@gmail.com

Developing a Model of precedents of Academic Dishonesty in virtual education in gifted high School Students in Facing of the Coronavirus Pandemic

Maryam Abdollahi Moghadam¹

*Fazlollah Hassanvand²

Abstract

Aim: the purpose of this study was to developing a model of academic dishonesty in virtual education in gifted high school students in facing of coronavirus pandemic. **Method:**The research method was descriptive-correlative based on nature and applied research based on purpose. The statistical population included female gifted high school students in lorestan province in 2020-2021. Sample size was 480 cases on the basis of Convenient sampling method and the questionnaires were completed voluntarily by online survey method and the data were analyzed in Amos software. Research tool included Witherspoon et al Academic Dishonesty, Golparvar Academic Ethics, Vincentruz and Shannon scientific identity, Tuminen-Sweeney et al's School Value and Hsieh, Yen and Chou parental supervision. **Findings:** findings showed that academic ethics, scientific identity and school value have a significant causal relationship with academic dishonesty and are able to predict it, but parental supervision had not significant causal relationship with academic dishonesty. **Conclusion:**Based on the findings, it can be concluded that in order to reduce academic dishonesty in gifted schools in the virtual education, we should focus on individual and personality components such as academic ethics, scientific identity and understanding of school value. While focus on external forces such as Parental supervision can not be the basis for reducing this destructive behavior in virtual education.

Keywords: Academic dishonesty, Academic ethics, Scientific identity, School value, Parental supervision

¹. PhD in Educational Psychology, Bu ali Sina Hamedan, The counselor of gifted high school in Khorramabad. The teacher of Farhangian university., Khorramabad, Iran

09183519106

m.abdolahi65@yahoo.com

². Corresponding Author: PhD Student in Educational Psychology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

09169550904

fazl.hasanvand@gmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نوع جدیدی از آموزش با عنوان آموزش الکترونیکی^۱ یا آموزش مجازی^۲ جهت پاسخگویی به برخی نیازهای آموزشی شکل گرفته است که نگاه محققین و صاحب‌نظران حوزه‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (میهال، ۲۰۲۰) و این نوع آموزش مشتمل بر آموزش از طریق رایانه، تلفن همراه و شیوه برخط گسترش به سبب انعطاف‌پذیری در ارتباط با شرایط زمانی و مکانی زندگی یادگیرندگان بسیار مورد استقبال قرار گرفت (صبوری و مردان‌زاده، ۱۳۹۹). در این میان، در طی دو سال اخیر، گسترش پاندمی کروناویروس به طور خاص یک بحران ناگهانی در بهداشت عمومی جهان ایجاد کرد و در طی مدت کوتاهی به تهدیدی جدی برای بشر بدل شد (شیوندی و حسنوند، ۱۳۹۹). این تهدید با تأثیر بر ساخت روابط خانوادگی و شیوه‌های آموزش معمول در مدارس دگرگونی‌های گسترده‌ای را به وجود آورد (توکلی و یداله‌ی، ۱۴۰۰) و شرایط آموزش به گونه‌ای پیش رفت که تعاملات و ارتباطات اجتماعی در فضای آموزشی از دنیای واقعی به دنیای مجازی انتقال یافت و بستر اینترنت بیش از پیش به میدان عمل و کنش‌گری تبدیل شد (عبداله‌ی و رحیمی، ۱۳۹۹). در این راستا، انتقال آموزش از فضای واقعی به فضای مجازی و رویارویی دانش‌آموزان و معلمان با فضایی متفاوت و با نظارت کمتر توسط مسئولین مدارس زمینه‌ی بروز برخی ناراستی‌ها و راحت‌طلبی‌ها در دانش‌آموزان را به وجود آورد (توکلی و یداله‌ی، ۱۴۰۰).

از این رو، امروزه، بی‌صدافتی تحصیلی^۳ به عنوان یکی از تهدیدهای محسوس و پیامدهای منفی در تحصیل دانش‌آموزان در فضای مجازی اهمیتی روزافزون پیدا کرده است. بی‌صدافتی تحصیلی در لغت نامه وبستر (وبستر، ۲۰۰۰) به معنی "مشارکت عمدی در اعمال فریبنده مربوط به کار تحصیلی شخصی یا کار دیگران" آمده است (به نقل از فاوچر و همکاران، ۲۰۰۹) و به عنوان یک ناسازگاری اخلاقی، پدیده‌ای با پیشینه‌ی بسیار دور و دراز و وابسته به فرهنگ جهانی و نیز تهدیدی برای کیفیت در زمینه‌های یادگیری، تدریس و پژوهش شناخته شده است (توماس، ۲۰۱۷). این رفتار مخرب مسئله‌ای جدید نیست و نوعی بی‌اخلاقی جهان‌شمول در زمینه تحصیلی محسوب می‌شود (کرو، آسی، پینو و هوف، ۲۰۱۹). و پژوهش‌های انجام‌شده دریافته‌اند که تقلب کردن^۴ پدیده‌ای معمول در بین دانش‌آموزان و دانشجویان است (کرو و همکاران، ۲۰۱۹ و پیلد و همکاران، ۲۰۱۸) و در فضا آموزش به یک مسأله جدی تبدیل شده که نیازمند توجه خاص است. به طوری که ۷۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی به نوعی اقدام به انجام اشکال متفاوتی از بی‌صدافتی تحصیلی می‌کنند (بردلی و کاواسانا، ۲۰۱۰).

در این میان، مطالعات نشان داده است که بی‌صدافتی تحصیلی در میان دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان پدیده‌ای مهم و نیازمند توجه است (آبیلاک، ۲۰۰۹؛ گدس، ۲۰۱۱؛ میلر، مورداک و گروتویل، ۲۰۱۷). از آنجا که بی‌صدافتی تحصیلی می‌تواند توانایی معلمان در ارزیابی دقیق میزان یادگیری دانش‌آموزان را مختل کند و زمینه کسب برخی دستاوردهای تحصیلی نامناسب برای برخی افراد را موجب شود (حتی پذیرش در دانشگاه بر اساس تقلب) و دانش‌آموزان صادق را نیز به این باور برساند که تقلب و بی‌صدافتی هنجاری قابل پذیرش است (اورک و همکاران، ۲۰۱۰). این گفته‌ها و استدلال‌ها دلایلی موجه برای توجه بیشتر معلمان و پژوهشگران به مسئله بی‌صدافتی تحصیلی و شناسایی عوامل زمینه‌ساز و به نوعی، عناصر اثرگذار بر گسترش این کجروی اخلاقی است. در همین راستا، در پایخ به خلأ احساس‌شده، در پژوهش حاضر به بررسی نقش ادراک ارزش مدرسه، اخلاق تحصیلی، هویت علمی و نظارت والدین بر آموزش مجازی پرداخته شد.

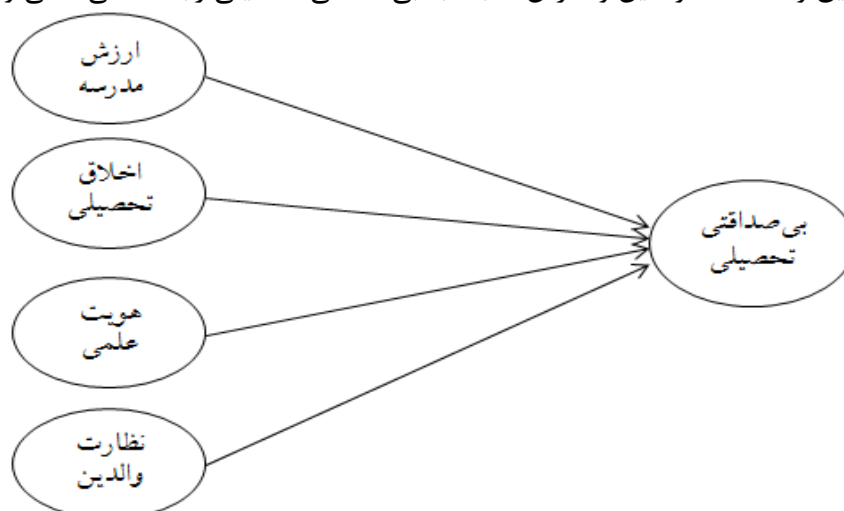
ارزش مدرسه^۱ به عنوان یکی از مؤلفه‌های مفهوم بهزیستی تحصیلی^۲ تعریف شده است. بهزیستی تحصیلی یکی از عواملی است که می‌تواند نقش بسزایی در افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. این مفهوم توسط تومینن-سوینی و همکاران (۲۰۱۲) مطرح شد. ارزش مدرسه به عنوان درک دانش‌آموزان از تحصیل در مدرسه تعریف می‌شود و شامل ارزش درونی و بیرونی است (ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۷). مطالعات مختلف نشان داده است که ارزش مدرسه احتمال تلاش برای رسیدن به اهداف تحصیلی در دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و در ایجاد رابطه مثبت و مشارکت میان همکلاسی‌ها و پیشرفت تحصیلی نقش دارد (نیمیوپرتا، ۲۰۰۴). فلوید و همکاران (۲۰۰۹؛ به نقل از کرو و همکاران، ۲۰۱۹) مشاهده کردند که ارزش مدرسه با بهره‌گیری دانش‌آموزان از راهبردهای یادگیری سطحی^۳ (دانش‌آموز تلاشی اندک برای گذراندن تحصیل می‌کند) ارتباط منفی دارد؛ کما این که راهبردهای یادگیری عمیق و اصیل^۴ نیز دارای پیوند با پردازش شناختی عمیق است که با بی‌صدافتی تحصیلی رابطه منفی دارد. ارزش تکلیف^۵ یکی از عوامل مهم در ارتباط با ارزش مدرسه است که مطالعات نشان‌گر رابطه میان آن با بی‌صدافتی تحصیلی است و به این معنی است که سودمند یا لذت‌بخش بودن یک تکلیف زمینه‌ساز کاهش احتمال تقلب کردن و انجام اعمال نادرست در حوزه تحصیل است (کرو و همکاران، ۲۰۱۹).

اخلاق تحصیلی^۶ به عنوان متغیر دیگر، راهنمای مسئولیت‌ها، نقش‌ها و رفتار افراد در نظام آموزشی است و به عنوان هدایت‌کننده عمل و تصمیم‌گیری هنگام مواجهه با مشکلات اخلاقی ایفای نقش می‌کند (سوفریا و یوسف، ۲۰۲۰). در حقیقت، یکی از عرصه‌های خاص که در آن ارزش‌های اخلاقی بسیار اهمیت دارد، تحصیل علم است. اخلاق تحصیلی، پایبندی و پیروی از ارزش‌هایی نظیر رعایت صداقت و پیروی از آموزه‌های اخلاقی برای کسب دانش را شامل می‌شود (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۳). اخلاق تحصیلی، به شکلی کاملاً اختصاصی، پایبندی و پیروی از ارزش‌هایی نظیر عدم فریبکاری، تکیه بر تلاش و کوشش شخصی در کسب دستاوردهای تحصیلی، رعایت صداقت، درست‌کاری و متابعت از آموزه‌های انسانی و اخلاقی برای کسب دانش و علم را شامل می‌شود (اسمیت، کودالکر و فرا، ۲۰۱۳). از این رو، بین باورهای اخلاقی فرد و میزان وقوع تقلب رابطه معکوس و معناداری وجود دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۲). در دیگر پژوهش‌ها (لوکاس و فردریچ، ۲۰۰۵ و رویایی و همکاران، ۱۳۹۶) نیز رابطه قوی بین عدم صداقت تحصیلی و اعمال غیراخلاقی در حرفه آینده فرد وجود دارد. بر اساس شواهد، در میان عوامل مرتبط با رفتارهای فریبکارانه، عدم تعهد اخلاقی یکی از چشمگیرترین عناصر است (سبزیان و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، در آموزش از طریق فضای مجازی که نظارت مستقیمی بر رفتار دانش‌آموزان وجود ندارد بسیار اهمیت دارد که سبک مدیریت به گونه‌ای باشد که فرصت و اندیشه تخطی از ارزش‌های اخلاقی فراهم نگردد.

هویت علمی^۷ به عنوان پیشایندهای دیگر در این تحقیق جنبه‌ی مهم در شکل‌گیری درگیری تحصیلی است که عبارت است از احساس فرد در خصوص چه کسی بودن خود در عرصه علم و آنچه او باور دارد که می‌تواند یا می‌خواهد در این عرصه انجام دهد (کمالی، اعظم‌آزاده و سجادیان، ۱۳۹۵). هویت با ترکیبی از خودنگری حاصل از شرکت در فعالیت‌های خاص، عضویت در گروه‌های مشخص یا پذیرفتن یک نقش ویژه به وجود می‌آید. پژوهشگران سه مفهوم را به عنوان عوامل شکل‌دهنده‌ی هویت علمی ارائه داده‌اند: احساس اجتماعی و وابستگی، عوامل نگرشی بیرونی و ذاتی سازگار و رقابت بین معلومات تدریس‌شده در فضای آموزش و علم واقعی (وینسنترز و شانن، ۲۰۱۸). در زمینه پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی، مفهوم هویت علمی غالباً برای توصیف یک بعد هیجانی یا روانشناختی درگیری تحصیلی به کار برده می‌شود (استرامبلر و همکاران، ۲۰۱۳). اسبورن و جونز (۲۰۱۱؛ به نقل از استرامبلر و همکاران، ۲۰۱۳)، هویت علمی را به عنوان

ارزش انتخاب شده توسط فرد در حوزه تحصیلی تعریف می‌کند که در شکل‌گیری خودپنداره^۱ سهم دارد و موجب افزایش عزت‌نفس تحصیلی می‌شود؛ چرا که می‌تواند انگیزه تحصیلی را افزایش دهد و باعث خودکارآمدی^۲ شود. پژوهش‌ها (کمراجو و دایل، ۲۰۱۴ و پاپ و همکاران، ۲۰۱۶) نشان دادند که هویت علمی با پیامدهای مثبت تحصیلی از قبیل درگیری شناختی عمیق^۳ با تکالیف یادگیری و پیشرفت تحصیلی^۴ مرتبط است، عواملی که می‌توان گفت با بی‌صدافتی تحصیلی رابطه منفی دارند و از این رو، بر نقش این عامل در شکل‌گیری بی‌صدافتی تحصیلی در آموزش مجازی تمرکز شده است.

نظارت والدین^۵ متغیر دیگری است که به عنوان پیشایند بی‌صدافتی تحصیلی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ که به معنی اعمال قدرت بر فرزندان در جهت نظارت بر اعمال و رفتارهای آنهاست، اما اصطلاحاً به ابزارهایی گفته می‌شود که والدین در فرایند مدیریت رفتار فرزندان به کار می‌برند (نژادبهرام و کمالی چیرانی، ۱۳۸۹). نظارت والدین به سطحی از آگاهی والدین از این موضوع اشاره دارد که در غیاب آنان، فرزندان‌شان کجا هستند، با چه کسانی ارتباط دارند و چگونه اوقات‌شان را سپری می‌کنند (رومرو و روئیز، ۲۰۰۷). در حالت ایده‌ال، این انتظار وجود دارد که والدین از برنامه زندگی فرزند خود آگاهی داشته باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که توسط والدین خود طرد می‌شوند و نظارت چندانی بر امور مختلف آنان صورت نمی‌گیرد، اغلب دچار مشکلات فردی و بین‌فردی از قبیل بزهکاری یا تقلب کردن در محیط تحصیلی می‌شوند (مهرابی و دهقان، ۱۳۹۶ و رومرو و روئیز، ۲۰۰۷). همچنین، استپ و السون (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که بین سطح نظارت دقیق و محتاطانه والدین و نگرش نسبت به بی‌صدافتی تحصیلی رابطه منفی وجود دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

بر اساس آن چه گفته شد، آن چه ضرورت انجام این پژوهش مبتنی بر شکل ۱ را آشکار می‌سازد این است که گسترش پاندمی کروناویروس و افزایش گرایش به آموزش مجازی در طی سالیان اخیر زمینه‌ای جدید از محیط آموزش را به وجود آورده است که شناسایی عوامل اثرگذار بر بسط اصول اخلاقی و ارزش‌های مثبت در آن شایسته مطالعه و پژوهش است. در حقیقت، با توجه به این که در فضای مجازی، نظارت دقیقی بر عملکرد دانش‌آموزان در ورای صفحه نمایش رایانه و تلفن همراه وجود ندارد، شناسایی عوامل کاهش بی‌صدافتی تحصیلی بسیار اهمیت دارد. افزون بر این، در ارتباط با انتخاب جامعه دختران، برخی پژوهش‌ها مانند شهبازیان و همکاران (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که بی‌صدافتی تحصیلی در دختران مسئله‌ای قابل توجه است؛ که دلایلی همچون اضطراب، توقع بیش از حد والدین و اطرافیان، فشار روانی ناشی از مسائل،

رقابت‌های نادرست و سخت بودن تکالیف و دروس از دیدگاه آنان در بروز این رفتارها اثرگذارند. به طور خاص، در میان دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان به سبب رقابت شدید جهت شکل‌دهی عملکرد مطلوب، تلاش برای رسیدن به ایده‌آل و گسترش توانایی‌های علمی (موفیلد و پارکرپترز، ۲۰۱۵ و سابتونیک، الژوسکی، کولیوس و وورل، ۲۰۱۱) و وجود باورهای کمال‌گرایانه در جهت نیل به استانداردهای سطح بالا (بیتل، والد، میدگت، گرین، کیشن و بری، ۲۰۱۵؛ ستوده‌فر و همکاران، ۱۳۹۳؛ نصیران و ایروانی، ۱۳۹۵ و مرادی‌زاده، ویسکرمی، میردریکوند، قدم‌پور و غضنفری، ۱۳۹۸) ممکن است زمینه‌ای مساعدتر برای انجام اعمال و رفتارهای نامطلوب و بی‌صدقاتی تحصیلی وجود داشته باشد. از این رو، این پژوهش با هدف تدوین مدل رابطه علی ارزش مدرسه، اخلاق تحصیلی، هویت علمی و نظارت والدین با بی‌صدقاتی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مدارس تیزهوشان استان لرستان به انجام رسید.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع بنیادی و از حیث ماهیت، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم در مدارس تیزهوشان استان لرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود که به سبب گسترش تهدید پاندمی کروناویروس در کلاس درس مجازی مدارس شرکت می‌کردند و برابر با ۸۷۰ نفر بود. نمونه آماری برابر با ۴۸۰ نفر انتخاب شد (۵۲۰ پرسشنامه پاسخ داده شد که موارد دارای نقص از تحلیل خارج شد). به منظور اجرای پژوهش، فرم اینترنتی ابزار پژوهش از طریق کانال‌های تلگرام و واتس‌آپ مدارس تیزهوشان به صورت گسترده در اختیار مدارس قرار گرفت و افراد به صورت داوطلبانه وارد صفحه اینترنتی مربوط شده و به پرسشنامه پاسخ دادند. در نهایت داده‌ها در نرم‌افزار آموس تحلیل گردید. ملاک پذیرش پرسشنامه‌ها پاسخگویی داوطلبانه و به تبع، دقت در پاسخ به گویه‌های پرسشنامه و ملاک خروج، تحصیل در مدارس غیر از تیزهوشان و عدم دقت در پاسخگویی به ابزار پژوهش بود. جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه بی‌صدقاتی تحصیلی: این مقیاس یک نسخه اصلاح‌شده از مقیاس بی‌صدقاتی تحصیلی مک‌کاب و همکاران (۱۹۹۳) است که توسط ویترسپون و همکاران تجدیدنظر و طراحی گردید (به نقل از عظیمی و همکاران، ۱۳۹۸). نمره گذاری این مقیاس ۹ گویه‌ای بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از به ندرت تا همیشه صورت می‌گیرد. طراحان این مقیاس، روایی آن را مطلوب به دست آورده و اعتبار مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در محدوده ۰/۸۰ تا ۰/۸۵ گزارش کردند. در ایران نیز روایی و پایایی این ابزار مورد تأیید قرار گرفته است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۸). میزان پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس ارزش مدرسه: پرسشنامه بهزیستی تحصیلی با الگوبرگشتی و تجمیع ابعاد چهارگانه‌ای تدوین کردند و بعد ارزش مدرسه نخستین بعد این سازه را تشکیل می‌دهد. این مقیاس یک پرسشنامه خودسنجی است که میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده با ۹ گویه ارزش مدرسه را بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای ارزیابی می‌نماید (تومینن، سویی و همکاران، ۲۰۱۲) مرادی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی این پرسشنامه را در جامعه‌ای مشتمل بر نوجوانان ایرانی اجرا کردند و روایی مناسب و پایایی سطح بالای این ابزار را بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ تأیید کردند. میزان پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه اخلاق تحصیلی: این پرسشنامه توسط گل‌پرور (۱۳۸۹) ساخته و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه از ۸ سؤال دارای مقیاس پاسخ‌گویی هفت‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم ساخته شده است. در این پرسشنامه تمایلات پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی در حین تحصیل، نظیر تکیه بر تلاش‌ها و کوشش‌های شخصی برای پیشرفت در تحصیل اندازه‌گیری می‌شود. شواهد مربوط به روایی سازه و پایایی این پرسشنامه در حد مناسب و نسبتاً مطلوبی است (گل‌پرور، ۱۳۸۹). در پژوهش گل‌پرور (۱۳۹۴) ضریب

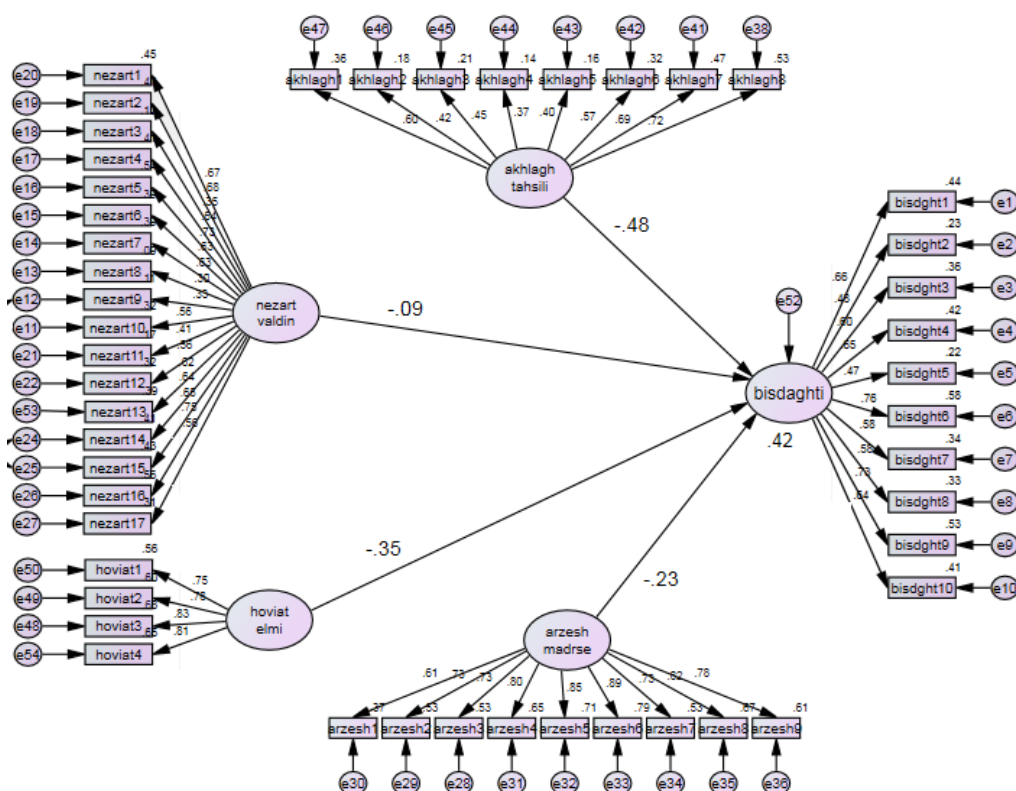
پایایی این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷ به دست آمد. میزان پایایی این ابزار در پژوهش حاضر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ به دست آمد. در پژوهش یاسمی نژاد (۱۳۹۳) نتایج تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه ابزار را نشان داد و پایایی آن در سطح مناسب تأیید شد. میزان پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه هویت علمی: این پرسشنامه برای بررسی میزان هویت به یک فضای علمی طراحی شد و به طور خاص مشخص می‌نماید که آیا یادگیرندگان خود را به عنوان فردی مرتبط با علم درک می‌کنند. مقیاس نمره‌گذاری این پرسشنامه چهارسطحی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است (وینسنترز و شانن، ۲۰۱۸). روایی این پرسشنامه در مطالعه سازندگان این ابزار با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی اثبات و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ محاسبه شد. در این مطالعه، تحلیل عاملی اکتشافی بر روی این پرسشنامه بر اساس نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار کفایت نمونه‌گیری کایر-میر-الکین برابر با ۰/۸۱ و آزمون کرویت بارتلت^۱ برابر با ۹۲۶/۴۴۶ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. بنابراین، مقدار ماتریس همبستگی و حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی اعتبار داشت. یک عامل استخراج شده توانست ۷۲ درصد از واریانس نمره هویت علمی را تبیین نمایند. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه نظارت والدین^۲ بر استفاده فرزندان از فضای مجازی: این پرسشنامه مشتمل بر ۱۷ گویه است و سه بعد مدیریت واکنشی، مدیریت پیشگیرانه و نظارت پایدار را می‌سنجد. مقیاس نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت چهارسطحی از کاملاً درست تا کاملاً اشتباه طراحی گردید. پایایی این ابزار بر اساس پژوهش سیه، ین و چو (۲۰۱۹) برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۵ محاسبه گشت و اعتبار آن نیز بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی تأیید شد. در این پژوهش میزان پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین، تحلیل عاملی اکتشافی بر روی این پرسشنامه بر اساس نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار کفایت نمونه‌گیری کایر-میر-الکین برابر با ۰/۹۲ و آزمون کرویت بارتلت برابر با ۳۴۲۶/۵۳۴ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. سه عامل استخراج شده توانستند ۵۶ درصد از واریانس نمره کل نظارت والدین را تبیین نمایند. میزان پایایی این ابزار در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، از شاخص‌های توصیفی به منظور تشریح داده‌ها استفاده شد و در بخش استنباطی، فرضیه‌های تحقیق با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. میانگین و انحراف معیار متغیر بی‌صدافتی تحصیلی برابر با ۱۹/۲۹ و ۶/۹۸، ارزش مدرسه برابر با ۳۵/۷۹ و ۷/۹۵، هویت علمی برابر با ۱۲/۴۸ و ۲/۶۲، نظارت والدین برابر با ۵۱/۴۱ و ۹/۳۲ و اخلاق تحصیلی برابر با ۴۰/۶۷ و ۷/۶۴ محاسبه شد. در ادامه، به آزمون فرضیه‌های پژوهشی پرداخته شد.



شکل ۲: تدوین مدل بی‌صدقاتی تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دبیرستان در رویارویی با گسترش بحران پاندمی کرونا

در مدل برازش‌یافته در شکل ۲، رابطه میان متغیرهای پیش‌بین (ارزش مدرسه، اخلاق تحصیلی، هویت علمی و نظارت والدین بر استفاده از فضای مجازی) و متغیر ملاک (بی‌صدقاتی تحصیلی) بررسی شد. بر این اساس، مشخص شد که ضریب تأثیر استاندارد منفی درک ارزش مدرسه بر بی‌صدقاتی تحصیلی برابر با $0/23$ - با مقدار t برابر با $5/21$ - بود و بر این اساس، فرضیه نخست پژوهش تأیید گردید. همچنین، اخلاق تحصیلی دارای ضریب تأثیر استاندارد منفی به میزان $0/48$ - بر بی‌صدقاتی تحصیلی بود که با مقدار t برابر با $8/39$ - معنادار و بر این اساس فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شد. هویت علمی نیز دارای ضریب تأثیر استاندارد منفی به میزان $0/35$ - بر بی‌صدقاتی تحصیلی بود که با مقدار t برابر با $7/12$ - معنادار و بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت، نظارت والدین بر استفاده از فضای مجازی دارای ضریب تأثیر استاندارد منفی به میزان $0/09$ - بر بی‌صدقاتی تحصیلی بود که با مقدار t برابر با $1/22$ - معنادار نبود و بدین ترتیب، فرضیه چهارم پژوهش رد شد. در نهایت، با توجه به این که تمام گویه‌های متغیرهای موردپژوهش دارای بار عاملی مناسب و مقدار t بالاتر از $1/96$ بودند، اعتبار گویه‌های مورداستفاده برای سنجش متغیرهای تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

شاخص‌های برازش مدل^۱ به عنوان معیاری برای تأیید مدل برازش‌یافته به کار می‌روند. شاخص ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین^۲، شاخص اصلی برازش است که اگر کوچک‌تر از $0/1$ باشد، برازندگی مدل تأیید می‌گردد. در پژوهش حاضر مقدار این شاخص برابر با $0/064$ و برازش مدل تأیید گردید. همچنین، اگر نتیجه تقسیم عامل χ^2 -square بر df کمتر از عدد ۵ باشد، برازش مدل تأیید می‌شود؛ که در این تحقیق برابر با $2/94$ به دست آمد. شاخص‌های برازش تطبیقی^۳، برازش این‌کری‌منتال^۴، برازش توکر - لوییس^۵ و نیکویی برازش^۶ نیز برابر با $0/92$ ، $0/92$ ، $0/91$ و $0/90$ به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده بی‌صدافتی تحصیلی در آموزش مجازی در دانش‌آموزان دختر مدارس تیزهوشان مقطع متوسطه دوم در شرایط زمانی گسترش پاندمی کروناویروس به انجام رسید. در این راستا، بر اساس شکل ۲، فرضیه اول مبنی بر رابطه‌ی علی منفی میان ارزش مدرسه با بی‌صدافتی تحصیلی تأیید شد. این بدان معنا است که هرگاه ارزشمندی مدرسه در دیدگاه دانش‌آموزان در سطح بالایی باشد و آنان مدرسه را به عنوان مکانی پراچتر تصور نمایند، تمایل کمتری به انجام تقلب و بی‌صدافتی در امور تحصیلی نشان خواهند داد. این یافته با پژوهش کوسلینیاک و بوجانوسکا (۲۰۱۹)، کرو و همکاران (۲۰۱۹) و اسماعیل و عمر (۲۰۱۷) همسو می‌باشد؛ شایان ذکر است که رابطه میان این متغیرها در مطالعات گذشته چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در تبیین وجود این رابطه منفی می‌توان بر اساس دیدگاه کوسلینیاک و بوجانوسکا (۲۰۱۹) باور دارند که ارزش‌های انسانی (همچون ارزشمندی دانش و تحصیل) و گرایش‌های اجتماعی مثبت با رفتارهای غیراخلاقی رابطه منفی دارند و بدین ترتیب، ارزش‌های متمرکز بر شخص (لذت فردی و قدرت ناشی از موفقیت در امتحانات و فعالیت‌ها پس از انجام تقلب) با عدم صدافت تحصیلی رابطه مثبت نشان می‌دهند و در حقیقت، بی‌صدافتی یک الگوی رفتاری است که به طور مشهود از منظر ارزش‌های درک‌شده توسط افراد قابل تبیین است. اسماعیل و عمر (۲۰۱۷) در یک مطالعه نشان دادند که ارزش‌های شخصی به طور قابل توجهی با عدم صدافت تحصیلی ارتباط منفی دارند و تقویت ارزش‌هایی همچون آرمان‌گرایی و ایمان مذهبی با عدم صدافت در محیط تحصیلی پیوند دارد. در ارتباط با فضای آموزش، ارزش مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموزان به اهداف تحصیلی نزدیک شوند؛ این همان نقطه قوتی است که در بی‌صدافتی تحصیلی به چشم نمی‌خورد. همچنین، ارزش مدرسه در معنا مترادف با ارزش تکلیف است (سودمند بودن یک تکلیف) و این معنا مغایر با بی‌صدافتی تحصیلی است، چون دانش‌آموزی که به سودمند بودن یک تکلیف پی می‌برد، احتمال کمتری دارد که دست به تقلب کردن بزند، زیرا آگاه است که گذر از انجام آن تکلیف بدون تسلط بر آن، همچون از دست دادن یک دارایی ارزشمند است و به همین سبب در جهت تسلط بر آن می‌کوشد.

فرضیه دوم مبنی بر ارتباط میان اخلاق تحصیلی و بی‌صدافتی تحصیلی مورد تأیید قرار گرفت. این بدان معنا است که هرگاه دانش‌آموزی باور داشته باشد که پیشرفت بیشتر در گرو زحمت و تلاش صادقانه، بهره‌گیری درست از استعدادها، نهفته‌ی فردی، وظیفه‌شناسی در انجام امور تحصیلی و درستکاری در راه کسب علم و دانش است، با احتمال بیشتری از اقدام به انجام هر گونه اعمال نادرست و ناشایست در عرصه تحصیل پرهیز می‌کند. پس می‌توان گفت که اخلاق، عاملی نگهدارنده در جلوگیری از بروز بی‌صدافتی تحصیلی است. این یافته با پژوهش‌های تاتوم و شوارتز (۲۰۱۷)، شوارتز و همکاران (۲۰۱۳)، آرنولد و همکاران (۲۰۰۷)، لوکاس و فردریچ (۲۰۰۵)، سبزیان و همکاران (۱۳۹۸) و رویایی و همکاران (۱۳۹۶) همخوان می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اخلاق تحصیلی به شکلی کاملاً اختصاصی، پایبندی و پیروی از ارزش‌هایی نظیر عدم تقلب، تکیه بر تلاش شخصی در کسب دست‌آوردهای تحصیلی و رعایت صدافت را برای کسب دانش شامل می‌شود. بازدارنده از بی‌صدافتی و تقلب تحصیلی به عنوان پیامد باواسطه و بی‌واسطه‌ی پایبندی به ارزش‌های اخلاقی بر شمرده شده است. شواهد این ادعا را نشان می‌دهد که عدم رعایت اصول اخلاقی در محیط‌های آموزشی، افراد را به سوی رفتارهای فریبکارانه سوق می‌دهد، بنابراین، می‌توان گفت که اخلاق تحصیلی می‌تواند از طریق اطمینان در دستیابی به نتایج متناسب با شایستگی و تلاش، موجب تضعیف تمایل به رفتارهای فریب‌کارانه شود.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر ارتباط میان هویت علمی و بی‌صدافتی تحصیلی تأیید گردید. این یافته با پژوهش‌های قنبری‌طلب و طهماسبی (۲۰۲۰)، پاپ و همکاران (۲۰۱۵)، کمراجو و دایل (۲۰۱۴) و والکر و همکاران (۲۰۰۶)، همسو است. تأیید این فرضیه بدان معنا است که هرگاه محیط مدرسه و عوامل مرتبط با آموزش و تحصیل شرایط را به گونه‌ای فراهم کنند که یک دانش‌آموز خود را به عنوان فردی علمی و متعلق به مدرسه تصور کند و از سوی دیگر رفتار و کردار دانش‌آموز در ارتباط با امور تحصیلی به گونه‌ای باشد که اعضای خانواده، معلمان و کارکنان مدرسه، دوستان و دیگر افراد

جامعه، وی را به عنوان فردی علاقه‌مند و مشتاق به امور علمی بشناسند، نوعی تعهد در فرد به وجود می‌آید که موجب می‌شود، در انجام امور تحصیلی به دنبال تسلط بر محتوای سودمند، نه صرفاً پشت سر گذاشتن واحدهای درسی باشد. این رویکرد خود زمینه‌ساز صداقت و تلاش هدفمند و صادقانه در جهت کسب دانش و موفقیت در مدرسه می‌گردد. در این راستا، هویت علمی یک جنبه مهم در پیشرفت تحصیلی است و به عنوان یک ارزش انتخاب‌شده در حوزه تحصیلی باعث حس ارزشمندی در فرد می‌شود؛ چرا که سبب انگیزه و تلاش بیشتر فرد شده و او را به سمت تحصیل سوق می‌دهد. عاملی که می‌تواند با بی‌صداقتی تحصیلی در تضاد باشد.

فرضیه چهارم این پژوهش مبنی بر رابطه میان نظارت بالایی والدین و بی‌صداقتی تحصیلی مورد تأیید قرار نگرفت و نظارت والدین با عدم صداقت دانش‌آموزان در فضای آموزش مجازی در ایام کرونا ارتباط معنی‌دار نداشت. این یافته مغایر با نتایج پژوهش استپ و السون (۲۰۱۱) رومرو و روئیز (۲۰۰۷) و مهرابی و دهقان (۱۳۹۶) است. در ارتباط با این یافته می‌توان گفت که عدم معناداری این رابطه گویای یک واقعیت بسیار کاربردی است؛ بدین معنا که باید واقعتاً را پذیرفت که اگر بخواهیم دانش‌آموزان از اقدام به انجام رفتارهای غیرصافانه پرهیز کنند، باید بر مؤلفه‌های درونی و شخصیتی آنان تمرکز کرد و در حقیقت، نگرش‌ها، باورها و ویژگی‌های درونی آنان را پرورش داد. با تأکید بر نظارت‌های بیرونی موقعیتی شاید بتوان در یک شرایط خاص در حضور والدین و معلمان به نتیجه مطلوب رسید، ولی دانش‌آموزان در تنهایی و به دور از نظارت والدین، در صورتی که نوعی هدفمندی همراه با اخلاق تحصیلی در خود ایجاد نکنند، اشکالی از بی‌صداقتی تحصیلی را پدیدار خواهد کرد. همچنین، رابطه بین این دو متغیر به واسطه متغیرهای دیگری که جملگی بر بنیان شناخت و هیجان استوار هستند، تحت تأثیر قرار گرفته است.

از جمله محدودیت‌های این می‌توان محدود کردن جامعه به دختران و دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان اشاره کرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی نمونه‌های از دانش‌آموزان پسر و مقاطع دیگر تحصیلی تکرار شود تا امکان مقایسه بی‌صداقتی تحصیلی و بسط مدلی جامع از عوامل پیش‌بینی‌کننده صداقت تحصیلی فراهم گردد. علاوه بر این، بهره‌وری از دیگر روش‌های گردآوری داده مانند مصاحبه به علت شرایط کرونا میسر نبود، چرا که با استفاده از روش تحقیق کیفی در کنار روش تحقیق کمی می‌توان به یافته‌های عمیق‌تری در حوزه بی‌صداقتی تحصیلی دست یافت و انجام تحقیقات پدیدارشناسانه در این حوزه به پژوهشگران دیگر پیشنهاد می‌شود. به صورت کاربردی، به مشاوران حاضر در مدارس و معلمان توصیه می‌شود که به گونه‌ای تلاش کنند که بتوانند هویت علمی دانش‌آموزان مبتنی بر حضور در یک فضای تعاملی و سازنده را شکل دهند. همچنین، در قالب محتوای الکترونیک به ارزش‌های اخلاقی و علمی راستین اشاره کنند تا با تکیه بر پرورش اخلاق تحصیلی، زمینه‌های بی‌صداقتی تحصیلی را در آموزش مجازی را ریشه‌کن سازند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1.Elearning
- 2.Virtual education
- 3.Academic dishonesty
- 4.Cheating
- 5.School value
- 6.Academic wellbeing
- 7.Surface learning strategies

- 8.Deep and genuine
- 9.Task value
- 10.Educational ethics
- 11.Scientific identity
- 12.Selfconcept
- 13.Self-efficacy
- 14.Meaningful cognitive engagement
- 15.Academic achievement
- 16.Parent monitoring
- 17.School value
- 18.Academic ethics
- 19.Bartlett's test of sphericity
- 20.Parental supervision
- 21.Modeling fit indexes
- 22.RMSEA
- 23.Comparative fitness index (CFI)
- 24.Incremental Fitness Index (IFI)
- 25.Tucker-Lewis index (TLI)
- 26.Goodness of Fit Index (GFI)

فهرست منابع

- توکلی، ا و یداله‌ی، س. (۱۴۰۰). "تجربه‌های والدین دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از مشکلات آموزش در دوران کرونا". فصلنامه کودکان استثنایی. ۲۱(۲)، ۳۷-۴۸.
- رویایی، ز، شکری، ا، باقریان، ف و شریفی، م. (۱۳۹۶). "تحلیل رابطه اهداف و فریب‌کاری تحصیلی: نقش میانجی عدم تعهد بر اخلاق تحصیلی". فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲ (۱)، ۱۵۳ - ۱۴۳.
- زندوانیان، ا، حیدری، م، باقری، ر و عطارزاده، ف. (۱۳۹۲). "آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر". مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۱۴ (۲۳)، ۲۱۶ - ۱۹۵.
- سبزیان، س، قدم پور، ع و میردريکوند، ف. (۱۳۹۸). "مدل علی درگیری تحصیلی و اخلاق تحصیلی با تقلب تحصیلی: نقش میانجی گری خودکارآمدی". روان‌شناسی مدرسه، ۸ (۴)، ۱۵۵ - ۱۳۱.

ستوده‌فر، ف.، سلطانی‌زاده، م و لعلی‌دستجردی، م. (۱۳۹۳). "مقایسه‌ی مؤلفه‌های کمال‌گرایی، هوش هیجانی و سلامت روان دختران تیزهوش و عادی مقطع متوسطه شهر اصفهان". *فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۳ (۸)، ۵۹ - ۴۱.

شهبازیان، آ.، فرید، ا و حبیبی، ر. (۱۳۹۵). "بررسی پدیدارشناسانه علل گرایش به تقلب تحصیلی از دیدگاه و تجربیات دانش‌آموزان متقلب". *فصلنامه تدریس پژوهشی*، ۴ (۲)، ۱۲۸ - ۱۱۳.

شیوندی، ک و حسنوند، ف. (۱۳۹۹). "تدوین مدل پیامدهای روان شناختی اضطراب ناشی از پاندمی کرونا ویروس و بررسی نقش میانجی‌گری سلامت معنوی". *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱ (۴۲)، ۳۶ - ۱.

صبوری، ص.، و علی‌مردان‌زاده، م. (۱۳۹۹). "تأثیر روش آموزش حضوری و آموزش مجازی بر نمره‌ی دانشجویان داروسازی کرمان". *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲۰، ۳۵-۴۲.

عبداللهی، ع و و رحیمی، ع. (۱۳۹۹). "ساخت اجتماعی کرونا و سیاست‌های مقابله با آن. مطالعه موردی: کاربران فضای مجازی". *فصلنامه ارزیابی تأثیرات اجتماعی. ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا*، ۲، ۶۳ - ۴۳.

عظیمی، ک.، ییلاق، م و امیدیان، م. (۱۳۹۸). "بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس بی‌صدافتی تحصیلی و ارتباط آن با چشم‌انداز زمان در دانش‌آموزان دبیرستانی". *مجله اخلاق زیستی*، ۳۲ (۹)، ۳۲ - ۲۰.

قاسم‌زاده، ر. (۱۳۹۲). نقش ادراک‌شده استاد در تقلب تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه بیرجند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه بیرجند.

قنبری‌طلب، م و طهماسبی، ف. (۱۳۹۹). "پیش‌بینی بی‌صدافتی تحصیلی بر اساس هویت تحصیلی و باورهای هوشی". *مطالعات آموزشی و آموزشگاه*، ۹ (۱)، ۷۸ - ۵۹.

کمالی، ا.، اعظم‌آزاده، م و سجادیان، ع. (۱۳۹۵). هویت علمی دانشجویان و سرمایه اجتماعی خانواده. کنگره پیشگامان پیشرفت.

گل‌پرور، م. (۱۳۸۹). "بررسی نقش اخلاق تحصیلی، عدالت و بی‌عدالتی آموزشی در رفتارهای مدنی تحصیلی دانشجویان". *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۵ (۴)، ۴۱-۲۵.

مرادی، م.، عباسعلی‌خشاب، ح و دهقانی‌زاده، م. (۱۳۹۵). "آزمون ساختار عاملی و سنجش همسانی درونی نسخه‌ی ایرانی پرسشنامه بهزیستی تحصیلی". *اندازه‌گیری تربیتی*، ۲۶ (۷)، ۱۴۸ - ۱۲۳.

مرادی‌زاده، س.، ویسکرمی، ح.، میردریکوند، ف.، قدم‌پور، ع و غضنفری، ف. (۱۳۹۸). "بررسی و مقایسه اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر و واقعیت‌درمانی بر کاهش کمال‌گرایی و استرس تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش". *فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی*، ۹ (۳۶)، ۱۱۰ - ۷۹.

مهرابی، م و دهقان، ع. (۱۳۹۶). "مطالعه ابعاد نظارت والدین بر مصرف بازی‌های ویدئویی فرزندان و ضرورت ایجاد نظام رتبه‌بندی". *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳ (۹)، ۲۸-۱.

نژادبهرام، ز و کمالی‌چیرانی، ف. (۱۳۸۹). "بررسی ابعاد فرهنگی - اجتماعی کنترل والدین بر استفاده فرزندان از اینترنت (تحلیل کنترل والدین بر استفاده فرزندان از اینترنت)". *فصلنامه برگ فرهنگ*، ۲۱، ۱۴۸ - ۱۳۵.

نصیران، ص و ایروانی، م. (۱۳۹۵). "بررسی مشکلات دانش‌آموزان تیزهوش در مدارس استعدادهای درخشان از نظر دانش‌آموزان والدین". *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۲ (۱۰)، ۲۷-۱.

ویسکرمی، ح.، خلیلی، ز.، عالی‌پور، ک.، علوی، ز. (۱۳۹۷). "نقش میانجی اشتیاق تحصیلی در پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس جو روانی و اجتماعی کلاس درس دانش‌آموزان". *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۷ (۱۲)، ۱۶۸ - ۱۴۹.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷). انجام مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل. چاپ اول. انتشارات سمت.

- Abilock, D. (2009). Guiding the gifted to honest work. *Knowledge Quest journal*, 37 (3), 12–15.
- Arnold, R., Martin, B. N., and Bigby, L. (2007). Is There a Relationship between Honor Codes and Academic Dishonesty? *Journal of Collage and Character*, 8 (2). 1-10.
- Beitel, M., Wald, L. M., Midgett, A., Green, D., Cecero, J. J., Kishon, R., & Barry, D. T. (2015). Humanistic experience and psychodynamic understanding: empirical associations among facets of self-actualization and psychological mindedness. *Person Centered & Experiential Psychotherapies*, 14 (2), 137-148.
- Broardley, I., & Kavussanu, M. (2010). Effects of goal orientation and perceived value of toughness on antisocial behavior in soccer: The mediating role of moral disengagement. *Sport & Exercise Psychology*, 32, 176- 192.
- Estep, H. M., & Olson, J. N. (2011). Parenting style, academic dishonesty, and infidelity in college students. *College Student Journal*, 45, 830 – 845.
- Faucher, D., Ocn, A., & Caves, S. (2009). Academic dishonesty: innovative cheating techniques and the detection and prevention of them. *Teaching and learning in nursing*. 4, 37-41.
- Geddes, K. A. (2011). Academic Dishonesty among Gifted and High-Achieving Students. *Gifted Child Today*, 34 (2), 50–56.
- Hsieh, Y. P., Yen, C. F., Chou, W. J. (2019). Development and validation of the parental smartphone use management scale (PSUMS): parents' perceived self-efficacy with adolescents with attention deficit hyperactivity disorder. *International Journal of Environment Research and Public Health*, 16 (8), 14-23.
- Ismail, S., & Omar, Z. (2017). Academic dishonesty: An empirical study of personal beliefs and values of undergraduate students in Malaysia. *Pertanika Journal of Social Science and Humanities*, 25 (3), 1181-1198
- Komarraju, M., & Dial, C. (2014). Scientific identity, self- efficacy, and self-esteem predict self-determined motivation and goals. *Learning and individual differences*, 32. 1-8.
- Koscielniak, M., & Bojanowska, A. (2019). The Role of Personal Values and Student Achievement in Academic Dishonesty. *Frontiers in Psychology*, 10, 1-12.
- Krou, M. R., Acee, T. W., Pino, N. W., & Hoff, M. A. (2019). Rationalizing the decision to cheat: an empirical analysis to determine whether social rational orientation can predict academic dishonesty. *Journal of college and character*, 20 (1), 1639 – 1940.
- Lucas, G. M., & Friedrich, J. (2005). Individual differences in workplace deviance and integrity as predictors of academic dishonesty. *Ethics & behavior*, 15 (1), 15-33.
- Mehall, S. (2020). Purposeful interpersonal interaction in online learning: What is it and how is it measured? *Online Learning Journal*, 24 (1), 181-203.
- Miller, A. D., Murdock, T. B., Grotewiel, M. M. (2017). Addressing Academic Dishonesty among the Highest Achievers. *Theory into Practice*, 56, 121–128.
- Mofield, E. L., & Parker Peters, M. (2015). Multidimensional perfectionism within gifted suburban adolescents: An exploration of typology and comparison of samples. *Roeper Reviv Journal*, 37 (2), 1–13.
- Niemivirta, M. (2004). Stability and change in middle school students' school value: An application of latent growth curve modeling. I A. Efklides, G. Kiosseglou, & Y. Theodorakis (Red.), *Qualitative and quantitative research in psychology: Scientific Annals of the Psychological Society of Northern Greece Ellinika Grammata*. 2, 314 – 330.
- O'Rourke, J., Barnes, J., Deaton, A., Fulks, K., Ryan, K., & Rettinger, D. A. (2010). Imitation is the sincerest form of cheating: The influence of direct knowledge and attitudes on academic dishonesty. *Ethics & Behavior*, 20, 47–64.
- Peled, Y., Eshet, Y., Barczyk, C., Grinautski, K. (2018). Predictors of academic dishonesty among undergraduate students in online and face-to-face courses. *Computers & Education journal*, 131, 49-59.
- Pop, E. I., Subtirica, O. N., & Meeus, W. (2016). On the interplay between academic achievement and educational identity: A longitudinal study. *Journal of adolescence*, 47, 134 – 144.

- Romero, A. J., & Ruiz, M. (2007). Does families lead to increased parental monitoring? Protective factors for coping with risky behaviors. *Journal of child family student*, 16, 143 – 154.
- Schwartz, B. M., Tatum, H. E., and Hageman, M. C. (2013). College Students' Perceptions of and Responses to Cheating at Traditional, Modified, and Non-honor System Institutions. *Ethics Behaviour*. 23, 463–476.
- Smith, T. R., Kudlac, C., & Fera, A. G. (2013). Deviant reactions to the college pressure cooker: A test of general strain theory on undergraduate students in the United States. *International Journal of Criminal Justice Sciences*, 8 (2), 88-104.
- Strambler, M. J., Linke, L. H., & Ward, N. L. (2013). Academic identification as a mediator of the relationship between parental socialization and academic achievement. *Contemporary educational psychology*, 38, 99-106.
- Sufriadi, S., & Yusoff, M. Z. (2020). Influence of understanding integrity and professional values for academic ethics practices among lecturers in Islamic religious higher Education. *Journal of Educational Management and Innovation*, 1 (2), 134 – 145.
- Tatum, H., and Schwartz, B. M. (2017). Honor Codes: Evidence Based Strategies for Improving Academic Integrity. *Theory into Practice*, 56 (2), 129–135.
- Thomas, D. (2017). Factors that explain academic dishonesty among university students in Thailand. *Ethics & Behavior*, 27 (2), 140-154.
- Vincent-Ruz, P., & Schunn, C. D. (2018). The nature of science identity and its role as the driver of student choices. *International Journal of STEM Education*, 5 (1). 1-1-0.
- Walker, C. O., Greene, B. A., & Mansell, R. A. (2006). Identification with academics, intrinsic extrinsic motivation, and self-efficacy as predictors of cognitive engagement. *Learning and individual Differences*, 16: 1-12.